

بررسی تناسب قرار بازداشت موقت با اصل برائت در جرایم نیروهای مسلح

سعید صفی شلمزاری^۱، سیدمجتبی جلالی^۱، طیبه عظیمی فرادنبه^۲
^۱ استادیار دانشگاه شهرکرد.

^۲ کارشناس ارشد رشته فقه و حقوق اسلامی دانشگاه شهرکرد.

نام نویسنده مسئول:

سیدمجتبی جلالی

چکیده

انواع قرارهایی که توسط بازپرس با اهداف دسترسی به متهم و حضور به موقع او، جلوگیری از فرار یا مخفی شدن وی، تضمین حقوق بزه دیده برای جبران ضرر و زیان وارده صادر می‌شوند اگر بتوان گفت به ترتیب اولویت چیده شده اند، قرار بازداشت موقت به عنوان آخرین کنترل قضایی آورده شده است چرا که می‌تواند حیثیت و زندگی شخص را تحت الشعاع قرار دهد. این قرار در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲ تحولاتی را تجربه کرد اما در کل چه در قانون قدیم و چه در قانون جدید با اصل برائت که در اصل ۳۷ قانون اساسی ذکر شده است مخالف می‌باشد. اصل برائت حکم یک سایبان دارد که افراد در پناه آن از هرگونه اتهامی بری می‌باشند. حال با وجود این قرار آزادی افراد قبل از ثبوت مجرمیتشان سلب می‌شود تا زمانی که احراز مجرمیت و صدور حکم به مجازات بشود یا حکم به تبرئه شدن او شود و خودش مطابق ماده ۲۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری در صورت تمایل، خواهان جبران خسارات وارده در ایام بازداشت شود. صدور این قرار نسبت به نیروهای مسلح به عملکردی که آنان در زمان جنگ از خود بروز می‌دهند برمی‌گردد؛ به این صورت که می‌تواند آثار مثبت در جهت پیروزی و یا آثاری سوء با اهدافی مثل ایجاد مشکل برای نظام، کمک به شکست جبهه اسلام، ناتوان جلوه دادن نیروهای خودی و... داشته باشد، مسلماً باید مانعی برای جلوگیری از شروع یا پیشروی اقدامات حاصله وجود داشته باشد و صدور قرار بازداشت موقت الزامی نقش آن مانع را ایفا خواهد نمود.

واژگان کلیدی: قرار بازداشت موقت، قیاس بین قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۸۱ و ۹۲، بررسی بازداشت موقت در نیروهای مسلح_ جرایم نیروهای مسلح.

مقدمه

نیروهای مسلح ارگانی را تشکیل داده اند که زیر نظر مقام معظم رهبری به عنوان فرمانده کل قوا به تصریح بند ۴ اصل یکصد و دهم قانون اساسی در رابطه با وظایف و اختیارات رهبر، قرار دارد. همانطور که در زمان صلح و آرامش حاکم بر کشور دارای وظایفی هستند، زمانی که کشور دچار جنگ و درگیری چه داخلی و چه خارجی شود از این ارگان و افراد آن که عده ای مثل کارکنان وظیفه به اجبار و عده ای دیگر به اختیار وارد آن شده اند، یک سری انتظاراتی چون دارای تخصص جنگی بودن، حرفه ای عمل کردن، مرموز بودن برای پاسبانی از اسرار جنگی در زمان و مکان حملات به نفع نیروهای خودی، داشتن روحیه همکاری، عدم تمرد از انجام وظایف، دفاع از ارزش ها با تمام توان و... می رود که دارای تناسب با سمت و شأن آنهاست نه بیگانه یا خلاف آن. حال اگر فردی از نیروهای مسلح در زمان جنگ در راستای انجام وظایف نظامی محول شده به او، جرمی مرتکب شود مجرم نظامی خوانده می شود و مسلماً باید دستگیر و مجازات شود. قانونگذار هم بسته به اهمیت موضوع و برای ختم قائله خسارات و تعدیات وارد شده از سمت و سوی او قرار بازداشت موقت را به صورت الزامی صادر می کند. حال ضابطان نظامی متناسب با ماده ۶۰۲ قانون آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن متهم، جلوگیری از فرار یا مخفی شدن او؛ تحقیقات مقدماتی - ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی به موجب قانون عمل می کنند تا متناسب با ماده ۵۹۱ همین قانون که مربوط به جرایم مربوط به جنگ است، در "دادگاه نظامی زمان جنگ" مورد رسیدگی قرار گیرند. کسی که مورد اتهام واقع می شود باید بتواند از خود دفاع کند چه نظامی باشد چه غیر نظامی. برای این منظور در سرتاسر جریان یک رسیدگی کیفری مطابق بند یک ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر: "هرکس به ارتکاب جرمی متهم می شود این حق را دارد که بی گناه فرض شود تا زمانی که جرم او براساس قانون در یک دادگاه علنی که در آن تمامی ضمانت های لازم برای دفاع او وجود داشته باشد ثابت شود."؛ برای متهم حق دفاع که مجموعه تضمینات قانونی و قضایی با هدف اتخاذ تصمیمی عادلانه به دوازده اشتباهات قضایی برای دفاع پیش از صدور حکم علیه فرد می باشد، تعیین شده است. متهم تکلیفی بر اثبات بی گناهی خود ندارد و این وظیفه با شاکی خصوصی که عامل اتهام است و دادسرا به نمایندگی از جامعه، می باشد. دادستان به عنوان مقام تعقیب مکلف به بررسی و تحصیل و ارائه دلیل و اثبات بزه انتسابی به متهم با شیوه های صحیح و قانونی به همراه رعایت اصول اخلاقی و کرامت انسانی است.

از نمونه مقالات کار شده: بازداشت موقت در آیین دادرسی کیفری دادگاه های عمومی و انقلاب نوشته رضا نوری در سال ۱۳۷۹/بازداشت موقت در آیین دادرسی کیفری ایران نوشته بهروز جوانمرد در سال ۱۳۸۵/نقد و بررسی قرار بازداشت موقت در قانون دادرسی مصوب ۷۸ نوشته حسن علی مؤمن زادگان در سال ۱۳۸۰/بازداشت موقت در تعارض با حقوق و آزادی اساسی مردم نوشته بهزاد پورسید در سال ۱۳۷۹ / آشنای با قانون جرایم نیروهای مسلح نوشته محمد موحد در سال ۱۳۷۸ / نوآوری های قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۸۲ نوشته حسن پوربافرانی در سال ۱۳۸۴ می باشد اما در راستای این موضوع مقاله ای در دست نیست. انتخاب این موضوع برای ذکر این است که انجام هرگونه اقدام خلاف شأن نیروهای مسلح می تواند باعث ایجاد حس بی اعتمادی غیر نظامیان و مردم عای نسبت به تمام نظامیان و افراد مسلح شود چه برسد به ارتکاب جرم توسط یک یا چند نفر از آنها که می تواند باعث ایجاد سستی در سایر نیروها و تحریک آنان به انجام آن جرایم یا کمک به مجرمان اصلی برای پیشبرد اهدافشان شود و نیز سبب پایین آوردن یا حتی نابودی وجهه و جایگاه نیروهای مسلح در داخل و خارج کشور شود که نیازمند صورت گرفتن اقداماتی اساسی برای ترمیم یا احیای حالت قبل و نابوی عاملان خسارات می باشد. حال چه بهتر که چیزی در این میان حضور داشته باشد که مانع از رسیدن مجرمان به اهدافشان شود مسلماً بازداشت موقت الزامی می تواند یک کمک باشد؛ با شرایط آورده شده برای صدور این قرار در ماده ۲۳۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب جدید و با رعایت تبصره ماده ۶۱۸ قانون دادرسی جرایم نیروهای مسلح صادر می شود، با قید این نکته که اگر آن شرایط موجود نباشند صدور قرار بازداشت موقت، الزامی نخواهد بود.

مقاله حاضر به وسیله تدقیق در مواد قانون آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح، قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲، به روش کتابخانه ای نوشته شده است بدین صورت که در فصل اول که پیرامون قرار بازداشت موقت است، قسمت اول آن بررسی واژگانی قرار بازداشت موقت، قسمت دوم بررسی مفهوم قرار بازداشت موقت و قسمت سوم قیاس بین دو قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۸۱ و ۹۲ درباره قرار بازداشت موقت می باشد - فصل دوم به بررسی همه جانبه جرایم نیروهای مسلح پرداخته به این صورت که در قسمت اول تاریخچه سازمان قضایی نیروهای مسلح آورده شده، قسمت دوم مفهوم جرایم نظامی و قسمت سوم شرح مواد مربوط به بازداشت موقت نیروهای مسلح آمده است - فصل سوم شامل نظریه های ارائه شده می باشد، پس از آن نتیجه گیری و منابع خواهد آمد.

فصل اول (پیرامون قرار بازداشت موقت

۱/۱ بررسی واژگانی قرار بازداشت موقت

قرار : ثبات و قرار ورزیدن _ آرام گرفتن_ رأی_ تصمیمی که از سوی مقام قضایی در طول تحقیقات مقدماتی و استثنائات در جریان محاکمه و رسیدگی صادر می‌شود_ تصمیم دادگاه در امر توافقی که کلا یا بعضا قاطع دعوی و خصومت نباشد.

بازداشت : در لغت حبس کردن ، منع کردن ، توقیف کردن و در اصطلاح سلب نمودن آزادی از شخص با حالت انتظار ترخیص در وی موقت : نقطه مقابل دائم ، دادستان مکلف است حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت نظر خود را تباه بازپرس اعلام نماید. در قانون قدیم با استناد به ماده ۳۳ به صورت کلی آمده که ظرف مدت یک ماه باید وضعیت متهم روشن شود اما در قانون جدید مطابق ماده ۲۴۲ مدت بازداشت متهم در جرایم ذکر شده در ماده ۳۰۲ قانون، از دو سال و در سایر جرایم از یک سال تجاوز نباید بکند.

۱/۲ بررسی مفهوم قرار بازداشت موقت

این قرار که به توقیف احتیاطی هم معروف است مهم ترین تأمین جزاییست که قابل اعتراض نیز می‌باشد و متناسب با یک سری شرایط ذکر شده در ابتدای ماده ۱۳۲ قانون قدیم و ماده ۲۳۸ قانون جدید صادر می‌شود.

حقوقدانان مواردی را مثل : از بین نرفتن آثار جرم ، تهدید نشدن شاهدان ، عدم صورت گرفتن تبانی متهم با دیگران ، جلوگیری از فرار متهم، آرام کرن جو حاصل شده از احساسات در اثر ارتکاب یک جرم در جامعه و... را به عنوان دلیل‌های قانع کننده یا مزیت های قرار بازداشت موقت آورده اند. دلایل عدم مشروعیت یا معایب این قرار را نیز اینگونه ذکر کرده‌اند : خدشه دار کردن حیثیت فرد ، محدود کردن یا حتی بستن راه جمع ادله برای دفاع از خود با بازداشت کردن او، ایجاد تأثیراتی از نوع منفی و در جهت گناهکار بودن نسبت به متهم در ذهن قاضی صادر کننده حکم ، در بعضی از موارد، تلاش قاضی در جهت پنهان نمودن خطای دادگاه و موجه جلوه دادن اقدامات خود و همکارانش با صدور حکم علیه فرد و ...

۱/۳ قیاس بین دو قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۸۱ و ۹۲ درباره قرار بازداشت موقت :

۱- در قانون مصوب ۸۱ ، از مواد ۳۲ تا ۳۸ به بحث بازداشت موقت اختصاص شده است و محتوای آنها به گونه ای بود که این قرار در دو حالت بررسی می‌شد : اختیاری . الزامی.

موارد اختیاری بودن قرار در ماده ۳۲ با شرط دلالت قرائن و امارات بر توجه اتهام به متهم ذکر شده بود و موارد الزامی بودن قرار با توجه به قرائن مرتبط به متهم در ماده ۳۵ با شرط عدم تجاوز مدت قرار از حداقل مدت مجازات مقرر قانونی جرم ارتكابی آمده بود.

مواد اختصاص داده شده به قرار بازداشت موقت به قانون مصوب ۹۲ از ماده ۲۳۷ تا ۲۴۳ است. ترتیب مواد به گونه‌ای است که در آغاز بحث از این قرار با توجه به مفهوم مخالف ماده ۲۳۷ موارد جایز بودن قرار ذکر شده است و دیگر ماده ای که به ذکر موارد قرار بازداشت موقت و حتی الزام بر صدور این قرار باشد به جز یک تبصره در این قانون یافت نمی‌شود.

۲- قانون مصوب ۸۱ چون هم به ذکر موارد اختیاری و الزامی بودن قرار پرداخته و هم چگونگی این قرار، نحوه صدور و شخص صادرکننده ماهوی-شکلی است اما قانون مصوب ۹۲ در پس پرداختن به ماهیت ۲۳۷ با ذکر موارد صدور این قرار، در سایر مواد مربوطه بیشتر به جنبه شکلی این قرار از جمله شرایط صدور قرار و چگونگی آن، ذکر موارد تخفیف و تبدیل حتی فکته قرار با در نظر گرفتن علت بازداشت با اشاره به ماده ۳۰۲ قانون، پرداختن به مدت این قرار در ماده ۲۴۲ و غیره پرداخته است.

۳- در قانون مصوب ۸۱ جرایم به موجب قوانین خاص در بین قرار بازداشت موقت های الزامی مقرر شده اند و شامل موارد مختلفی هستند. یک نمونه از مثال های آورده شده در قانون ، مربوط به جواز یا عدم جواز این قرار در ایراد ضرب و جرح با چاقو توسط متهم بر مجنی علیه است که با نظر مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه در سال ۸۱ و نظریه اداره کل حقوقی و تدوین قوانین قوه قضاییه در سال ۸۴ که در روزنامه رسمی هم به چاپ رسید لزوم صدور این قرار تثبیت شد.

اما در قانون مصوب ۹۴ ماده ۲۳۷ که به موارد جوازی قرار بازداشت موقت پرداخته ، با توجه به تبصره آن ، از موضوع قوانین خاص، فقط قوانین ناظر بر جرایم نیروهای مسلح از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون باقی مانده است .

نتیجه قیاس : در تصویب قوانین جدید نسبت به قوانین قدیم اصل بر تفسیر مضیق و مناسب به حال متهم می‌باشد و این مورد در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۴ در باب صدور قرار بازداشت موقت به طور وضوح به چشم می‌خورد به این صورت که قرار بازداشت موقت را به یک مورد ، آن هم اختیاری بودن ، نسبت به قانون قدیم که در ۲ حالت اختیاری و الزامی صادر می‌شد تقلیل داده اند.

در قانون قدیم در ماده ۳۵ که به ذکر موارد الزامی بودن قرار بازداشت موقت پرداخته است، در بند (ه) در حیطه جرایمی که به موجب قوانین خاص مقرر شده، جرایم نیروهای مسلح و قوانین ناظر بر آنها هم قرار می‌گیرد اما در قانون جدید قانونگذار نتوانسته جرایم نیروهای مسلح را از سایر موارد الزامی بودن این قرار به دلیل اهمیت بسیارشان حذف کند.

فصل دوم (بررسی همه جانبه جرایم نیروهای مسلح

قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ مشتمل بر ۵۷۰ ماده در هفت بخش بود. اما در تاریخ ۱۳۹۳/۷/۸ بخش‌های هشتم تا دوازدهم به تصویب کمیسیون قضایی - حقوقی مجلس شورای اسلامی رسید. ماده ۶۹۹ این قانون نیز گویای این مطلب می‌باشد. بخش هشتم یعنی آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح مرتبط با بحث می‌باشد که خود شامل نه فصل است، در میان این فصل‌ها، مبحث چهارم فصل چهار مربوط به بازداشت موقت نیروهای مسلح در طی ۲ ماده و ۲ تبصره، قابل بررسی می‌باشد.

۱/۱ تاریخچه سازمان قضایی نیروهای مسلح

قبل از انقلاب سازمان قضایی ارتش مرکب از دادرها و دادگاه‌های نظامی سازمان قضایی نیروهای مسلح بود که بر اساس قانون دادرسی و کیفر ارتش مصوب ۱۳۱۸ و با اصلاحیه‌های بعدی تشکیل و اداره شد. در سازمان قضایی ارتش به جرایم خاص نظامی و انتظامی (ارتشیان، پرسنل وزارت دفاع، نیروهای شهربانی و ژاندارمری) رسیدگی می‌شد در ابتدا ریاست این سازمان توسط ریاست ستاد مشترک ارتش تعیین می‌شد. بعد از الحاق سازمان قضایی ارتش به دادگستری و انفکاکش از ستاد مشترک، ریاست را شورای عالی قضایی منسوب می‌کرد. دادگاه‌های اختصاصی و نظامی به بزه‌های منتسب به نظامیان رسیدگی می‌کردند که توسط سه افسر که یکی از آنها رئیس دادگاه و دو نفر دیگر به عنوان کارمند تشکیل جلسه می‌دادند.

بعد از پیروزی انقلاب و تصویب قانون اساسی، محاکم نظامی مطابق اصل ۱۷۲ همچنان به رسمیت شناخته شدند. در سال ۵۹ دادگاه و دادستانی انقلاب اسلامی مستقر در سپاه پاسداران تشکیل شد. در سال ۶۱ با مجوز امام خمینی کنار دادگاه‌های انقلاب اسلامی، دادگاه‌های کیفری ۱ و ۲ برای رسیدگی به جرایم عمومی پاسداران تشکیل شد. به دلیل مشکلات اجرایی، دادرها و دادگاه‌های نظامی تا اواخر سال ۶۴ به شکل فعلی تشکیل نشد اما سال ۶۴ قانون دادرسی نیروهای مسلح در دوازده ماده و هشت تبصره به تصویب مجلس رسید. به موجب این قانون سازمان قضایی نیروهای مسلح از سازمان قضایی ارتش، دادرها و دادگاه‌های ارتش، دادرها و دادگاه‌های انقلاب و عمومی پاسداران تشکیل شد. از این به بعد سازمان قضایی نیروهای مسلح تنها مرجع برای رسیدگی به جرایم خاص نظامی و انتظامی نیروهای مسلح در سراسر کشور شد و بخشی از قوه قضاییه است که رئیس آن از طرف ریاست قوه قضاییه و با حکم او منسوب می‌شود. دادگاه‌های نظامی کشور به دادگاه‌های نظامی ۱ و ۲ تقسیم می‌شوند به این نحو که جرایم به عنوان حد با کیفر اعدام - سلب و نفی بلد - جرایم با کیفر ده سال زندان و بالاتر - جرایم با کیفر نقص یا قطع عضو - جرایم با کیفر دوستانه هزار تومان جرایم نقدی و بالاتر - جرایم با کیفر نصف دیه کامله یا بالاتر اعم از عمد یا خطای محض در صلاحیت دادگاه نظامی ۱ و جرایم خاص نظامیان - جرایم در حین خدمت - سایر جرایمی که در صلاحیت دادگاه نظامی ۱ نیستند در صلاحیت دادگاه نظامی ۲ می‌باشند.

۱/۲ مفهوم جرایم نظامی

جرم در ماده ۲ قانون مجازات اسلامی اینگونه تعریف شده است: هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است، به دو دسته عمومی و خصوصی قابل تقسیم می‌باشد و جرایم نیروهای مسلح با عنوان کلی جرایم نظامی بحث می‌شوند و از بارزترین جرایم خاص می‌باشند. مرتکبان آنها افرادی نظامی یا در حکم نظامی است و جرم ارتكابی آنها نیز صرفاً نظامی است یعنی فقط نظامیان قادر به ارتکاب آنها هستند و اگر غیر نظامیان مرتکب آنها شوند در دسته مجرمان نظامی برای صورت گرفتن مجازات افراد نظامی قرار نخواهند گرفت. مجازات افراد نظامی با محرومیت از قوانین عمومی ارفاق آمیز همراه می‌باشد و در دادگاه‌های اختصاصی با شدت، سرعت و دقت زیاد مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت؛ نحوه رسیدگی این دادگاه‌ها با مراجع قضایی صالح برای رسیدگی به جرم عمومی متفاوت است. در تقسیم بندی جرایم نظامی به ذاتی و تبعی، جرایم این مجرمان از ذاتی-تبعی است که هم به شخص انجام دهنده جرم اشاره دارد و هم به عمل انجام شده توسط او. یعنی مرتکب جرم باید عضو نیروهای مسلح باشد و طبیعت جرم به گونه ای باشد که در ارتباط با وظایف نظامی-انتظامی فرد باشد. منظور بزه هایی است که اعضای نیروهای مسلح در ارتباط با وظایف و مسؤلیت های نظامی و انتظامی که طبق قانون و مقررات به عهده آنان است مرتکب شوند. جرایم این مجرمان فقط در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح (ق.م.ج.ن.م) برشمرده شده است و این قانون مشتمل بر ۱۳۷ ماده و ۵۱ تبصره می‌باشد که در تاریخ ۸۲/۹/۹ به تصویب مجلس و در تاریخ ۸۲/۱۰/۲۵ به تأیید شورای نگهبان رسید. قانونی که جرایم غیر قابل گذشت هستند مگر به تصریح متن قانونش، مجازات تعزیری و بازدارنده شلاق را برای قطع بهانه جویی‌های کشورهای خارجی و کمیساریای عالی حقوق بشر درباره وجود مجازات‌های بدنی در قانون مورد استفاده قرار نداده

است، کلمه دشمن را در جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی تعریف کرده است، عضویت اعضای نیروهای مسلح را در احزاب و دستجات مخالف آرمان‌های نیروهای مسلح برای حفظ قداست و ابهتشان جرم انگاری کرده است و...

۱/۳ شرح مواد مربوط به بازداشت موقت نیروهای مسلح

دو ماده ای که قبلاً گفته شد که درمبحث چهارم فصل چهارم واقع شده اند، مواد ۶۱۸ و ۶۱۹ می‌باشند. ماده ۶۱۸ به صدور قرار بازداشت موقت الزامی در زمان جنگ و ذکر موارد آن از بند (الف) تا بند (ز) و بیان مدت بازداشت در تبصره آن می‌پردازد. ماده ۶۱۹ تکلیف مرجع قضایی رسیدگی کننده را در رابطه با یگان مربوطه اش با قید اسرعت وقت مشخص کرده است و تبصره آن بیانگر لازم الاجرا بودن این ماده در اجرای آرای دادگاه‌ها نسبت به سایر موارد سالب آزادی می‌باشد. حال به توضیح بندهای مواد ۶۱۸ خواهیم پرداخت و خواهیم دید که صدور قرار بازداشت موقت برای مرتکبان، مخالفتی با اصل برائت ندارد چرا که آنان با درنظرگیری قاعده اقدام به حرمت خود تعرض نموده اند و خود را از پناه اصل برائت بیرون کشانده اند.

الف. جرایم موجب مجازات محارب یا مفسد فی الارض

در بسیاری از مواد ق.م.ج.ن.م برای مرتکب، مجازات محارب تعیین شده است. قانون مجازات اسلامی جرایم محاربه و افساد فی الارض را در دسته جرایم علیه امنیت و نظم عمومی قرار داده است و قانونگذار برای مجازات محارب در ماده ۲۸۹ چهار مورد را آورده و مطابق ماده ۲۸۳ اختیار قاضی را در انتخاب مجازات برای شخص محارب لحاظ فرموده است و مجازاتی که برای مفسد فی الارض معین نموده بنابر ماده ۲۸۶، اعدام است. دادگاه صالح برای رسیدگی به جرایم این مرتکبان به تصریح بند الف ماده ۳۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری، دادگاه انقلاب می‌باشد، اما بررسی جرایم نیروهای مسلح در صلاحیت دادگاه نظامی می‌باشد.

محارب به معنای جنگنده - پیکارکننده است و جرم ارتكابی او جرمی مقید و وسیله ای است یعنی مطابق ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ برای ارتكاب جرم و کسب نتیجه مورد نظر که ایجاد رعب، سلب آزادی و امنیت مردم است به همراه داشتن سوء نیت عام و سوء نیت خاص به عنوان ارکان روانی جرم، "کشیدن سلاح به عنوان رکن مادی جرم لازم می‌باشد." (پوربافرانی - پاییز ۱۳۹۰) تبصره یک ماده ۶۵۱ تعزیرات قانون مجازات اسلامی به ذکر انواع سلاح پرداخته است. افساد از باب افعال یعنی به تباهی کشاندن - خراب کردن، فی الارض و کلماتی مانند به طور گسترده و در حد وسیع که در متن ماده ۲۸۶ قانون آورده شده اند بیانگر پهنا و شعاع جرم می‌باشد. "مفسد مانند محارب متوسل به اسلحه نمی‌شود." (آیت الله ناصر مکارم شیرازی - آیت الله حسین نوری همدانی) "در نیروهای نظامی زمانی که عمل مرتکب به قصد افساد و اخلال در نظام باشد عملش مصداق افساد فی الارض می‌باشد." (بای - ۱۳۸۵)

ب. جرایم عمدی علیه امنیت داخلی و خارجی موجب مجازات تعزیری درجه پنج و بالاتر

فصل دوم ق.م.ج.ن.م از ماده ۱۷ تا ۲۴ ویژه جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی است و برای مرتکب، مجازات محارب را در نظر گرفته است چرا که او جرایمی را با قصد ایجاد ناامنی و برهم زدن امنیت کشور و طراحی برنامه براندازی اساس نظام به مفهوم تغییر و نابودی آن به همراه سوء نیت عام و سوء نیت خاص انجام می‌دهد.

با استناد به ماده ۵۰۹ تعزیرات و مجازات های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵، هرکس در زمان جنگ یکی از جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی موضوع فصل جرایم ضد امنیت داخلی و خارجی کشور را مرتکب شود به مجازات اشد همان جرم محکوم می‌شود.

پ. شورش مسلحانه

شورش به معنای غوغا برپا کردن - آشفتگی و هیجان ایجاد کردن - انقلاب - فتنه می‌باشد. درصدر ماده ۳۳ ق.م.ج.ن.م آمده که اگر نظامیان تعدادشان حداقل ۳ نفر باشد شورش کننده محسوب می‌شوند. به صراحت بندهای ماده برای نظامیان مسلحی که از اطاعت فرماندهان یا رؤسایشان سرپیچی کنند، همچنین در صورت تعرض به جان و مال و ناموس مردم یا اموال عمومی با سلاح گرم یا سرد، انجام تحصن و اعتصاب برای رسیدن به اهداف در یگان های نظامی یا هر محل دیگر در صورت مصداق محارب نبودن، حبس ۳ تا ۱۵ سال در نظر گرفته می‌شود.

در ماده ۲۸۷ قانون مجازات اسلامی اقدامات انجام شده با لفظ "بغی" عنوان شده و عامل آن باغی نام گرفته است و مجازات اعدام به دلیل مسلحانه بودن اقدامش برای وی در نظر گرفته شده است. بغی در لغت درگذشتن از حد اعتدال و در اصطلاح فقهی شورش مسلحانه علیه امام است.

از شرایط جرم بغی: مسلمان بودن - گروهی بودن - قدرت داشتن برانجام اقدامات مورد نظر - اسلحه داشتن که شامل انواع سلاح های گرم و سرد می‌شود - عمل بر ضد حکومت و نظام جمهوری اسلامی. از انواع جرایم مطلق می‌باشد که صرف قیام علیه امام عادل و اساس

حکومت اسلامی کافی است و دارای سوء نیت عام به دلیل داشتن اراده و اختیار برای انجام گرفتن مقصود و سوء نیت خاص به دلیل داشتن قصد براندازی نظام یا برکناری امام عادل می‌باشد.

ت. لغو دستور حرکت به طرف دشمن یا محاربان و مفسدان یا در ناحیه ای با شرایط جنگی و یا محدودیت های ضروری

اعلام شده

این عنوان شامل دو قسمت می‌باشد: یک قسمت افراد مهاجم و قسمت دیگر مناطق جنگی.

در بندهای الف و ب ماده ۳۷ ق.م.ج.ن.م که متناسب با این عنوان است، اینطور آمده که اگر لغو دستور حاوی پیام همکاری با دشمن یا اخلال در نظام و امنیت کشور یا شکست در جبهه اسلام باشد مجازات محارب برای آن نظامی اجرا خواهد شد و اگر اینگونه نبود، مجازات حبس ۳ تا ۱۵ سال در قبال لغو دستور فرمانده برای جنگ با مهاجمان و حبس ۲ تا ۱۰ سال متناسب با لغو دستور حرکت به سمت منطقه مورد نظر فرمانده برای دفاع در نظر گرفته خواهد شد.

ث. ایراد ضرب و جرح عمدی با سلاح نسبت به مافوق

ماده ۴۷ ق.م.ج.ن.م ضرب و جرح نسبت به مافوق را دو دسته کرده است و بند الف آن که به مورد باسلاح بودن اشاره کرده است با عنوان مرتبط است. حکم آورده شده در آن حبس ۳ تا ۱۵ سال به علاوه قصاص یا دیه می‌باشد.

ضرب و جرح در قانون مجازات اسلامی در دسته جرایم علیه اشخاص واقع است. در رکن مادی آن وجود شخص زنده دیگر، ایراد صدمه، وسیله ای که با آن به فرد ایراد ضرب و جرح کند. در رکن معنوی سوء نیت عام یعنی داشتن قصد فعل و وسیله - سوء نیت خاص یعنی وقوع نتیجه لازم می‌باشد. ضرب و جرحی که منجر به قتل شود جرمی مقید است وگرنه خود ایراد ضرب و جرح جرمی مطلق است. ماده ۲۹۷ قانون به ضرب و جرح عمدی و نتایج حاصل از آن اشاره دارد.

ضرب: در لغت به معنای زدن و در اصطلاح حقوقی صدمات وارده شده به بدن که موجب خونریزی ظاهری بدن شود ولی شامل از هم گسیختگی نسوج بدن نشود.

جرح: در لغت یعنی زخم زدن و در اصطلاح صدمات منجر به خونریزی ظاهری بدن که شامل آسیب هایی مثل قطع عضو، سوختگی، بریدگی، و سایر زخم ها می‌باشد.

ج. قتل عمدی

جرم قتل با قید عمدی بودن شامل ماده ۴۷ ق.م.ج.ن.م می‌تواند بشود ولی به صورت عام آورده شده یعنی نه تنها نسبت به مافوق بلکه نسبت به سایر افراد نظامی می‌شود و معلوم نشده است با سلاح است یا بدون سلاح. علاوه بر ماده ذکر شده، ماده ۴۱ که مرتکب عمداً مبادرت به تیراندازی خلاف مقررات نموده است و علاوه بر جبران خسارت، به حبس از ۳ ماه تا ۱ سال نیز محکوم می‌شود. بند الف ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی برای وقوع جنایت عمدی، داشتن قصد ایراد جنایت را به علاوه ی عملی شدن مقصودش آورده است.

در فقه قتل موجب قصاص اینطور تعریف شده است: *إِزْهَاقُ النَّفْسِ الْمَعْصُومَةِ الْمُكَافِئَةَ عَمْدًا عُذْوَانًا.*

عمد بودن قتل یعنی از سوی فردی بالغ و عاقل با آلتی که غالباً کشنده است یا آلتی که به ندرت کشنده است یا اینکه به شرایط مجنی علیه بستگی دارد، به صورت ظالمانه و به غیرحق، نسبت به فردی که مهدورالدم نیست و با شخص مقتول همکفو در دین، عقل و آزادی است صادر شود. مجازات تعیین شده برای قاتل قصاص است. اما در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، علاوه بر محکومیت به قصاص، حبس ۳ تا ۱۵ سال نیز مقرر شده است.

چ. فرار از جبهه

ضابطه فراری محسوب شدن افراد، غیبت بیش از ۵ روز متوالی و نداشتن عذری موجه که مصادیقش در ماده ۷۶ قانون ذکر شده است، می‌باشد. انجام فعل فرار از نظر روانی دلایل مختلفی دارد از جمله ترس از کشته شدن-هدفی غیر جنگی را محور قرار دادن-رساندن خود به دشمن برای رساندن اخبار و اطلاعات نیروهای خودی به آنها و... هم شامل اعضای ثابت نیروهای مسلح می‌شود و هم شامل کارکنان وظیفه خواهد شد. ماده ۶۵ همین قانون مجازات محارب را برای فراریانی که باعث شکست جبهه اسلام یا ورود تلفات جانی به نیروهای خودی شوند در نظر گرفته است.

مطابق تبصره ماده ۶۴ ق.م.ج.ن.م، جبهه منطقه ای است که یگانگی درگیری مستقیم و سریع رزمی داشته یا مأموریت آن را دریافت کرده باشد. مسلماً در چنین وضعیتی نبود حتی یک نظامی باعث ایجاد نگرانی در فرمانده و یأس در سایر نیروها دارد.

ماده ۶۱ برای اعضای ثابت در صورت فرار از جبهه حبس از ۳ تا ۱۵ سال در نظر گرفته است و ماده ۶۲ اذعان می‌دارد که اگر اشخاص مذکور شخصاً خود را معرفی کنند و به خدمت مشغول شوند این امر موجب تخفیف مجازاتشان به ۲ تا ۵ سال حبس می‌شود. فرار کارکنان

وظیفه نسبت به اعضای ثابت دارای مجازات کمتری است، با اظهار ندامت و مشغول به خدمت شدن، مجازاتشان به تصریح ماده ۶۴ در باب فرار از جبهه از حبس ۲ تا ۵ سال مقرر شده د ماده ۶۳ به حبس ۶ ماه تا ۲ سال تقلیل می‌یابد.

اعضای ثابت نیروهای مسلح برای انجام خدمت مستمر در نیروهای مسلح استخدام می‌شوند که شامل نظامیان، کارمندان و محصلین می‌شود. کارکنان وظیفه وفق قانون خدمت وظیفه عمومی در یکی از دوره های ضرورت-احتیاط-ذخیره که مدت دوره هایشان متناسب با ماده ۴ قانون خدمت وظیفه عمومی آمده است مشغول به خدمت می‌شوند.

ح. فرار از محل مأموریت یا منطقه درگیری در جریان عملیات علیه عوامل خرابکار، ضد انقلاب، اشرار و قاچاقچیان

مسلح

در ماده ۶۶ ق.م.ج.ن.م این فرار در حکم فرار از جبهه خوانده شده است و مشمول مجازات حبس خواهد شد، به صورت عام مطرح شده یعنی شامل فرار تمام کسانی که در بندهای ماده یک همین قانون به عنوان نظامی آورده شده اند، می‌شود نه فقط نظامیان و باید در دادگاه های نظامی محاکمه شوند. به این ترتیب:

کارکنان ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و سازمان های وابسته - کارکنان ارتش جمهوری اسلامی ایران و سازمان های وابسته - کارکنان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران و اعضای بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی - کارکنان وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و سازمان های وابسته - کارکنان مشمول قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران - کارکنان وظیفه از تاریخ شروع خدمت تا پایان آن - محصلان، موضوع قوانین استخدامی نیروهای مسلح، مراکز آموزش وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح - کسانی که به طور موقت در خدمت نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران هستند و طبق قوانین استخدامی نیروهای مسلح در مت مزبور از اعضاء نیروهای مسلح محسوب می‌شوند.

در فصل چهارم ق.م.ج.ن.م فرار از خدمت به دو دسته تقسیم شده است: فرار در زمان صلح - فرار در زمان جنگ و درگیری های مسلحانه. به دلیل تبعات و خسارات زیادی که فرار در زمان جنگ نسبت به زمان صلح دارد قرار بازداشت موقت باید هم الزامی باشد و بر صدورش ایرادی مترتب نیست.

خ. فرار همراه با سلاح گرم یا توسط هواپیما، بالگرد، کشتی، ناوچه، تانک و وسایل موتوری جنگی یا مجهز به سلاح

جنگی

حکم این عمل را ماده ۷۱ ق.م.ج.ن.م مشخص نموده است به اینگونه که از لحظه غیبت فراری محسوب می‌شوند. اگر با عملش ضربه مؤثر به نیروهای خودی و مأموریتشان بزند مجازات محارب بر او جاری می‌شود، در غیر این صورت به حبس از ۳ تا ۱۵ سال محکوم می‌شود.

فرار با حمل انواع سلاح های ذکر شده در این عنوان مستلزم شکستن مرزهای هوایی-زمینی-دریایی است که مطابق ماده ۳ قانون مجازات اسلامی، قوانین جزایی ایران در مورد این نظامیان اعمال می‌شود. همچنین به موجب ماده ۴ وقوع قسمتی از جرم در قلمروی حاکمیت ایران در حکم جرم واقع شده در جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

د. فرار به سوی دشمن

به موجب ماده ۷۳ ق.م.ج.ن.م فرار فرد نظامی به سمت دشمن اگر موجبات شکست جبهه اسلام و تقویت دشمن را فراهم کند مجازات محارب برای او در نظر گرفته شده است در غیر این صورت به حبس از ۳ تا ۱۵ سال محکوم می‌شود. فرار به سمت دشمن اگر به همراه رساندن اطلاعات، جاسوسی یا اقدام علیه امنیت کشور و غیره باشد با رعایت قوانین تعدد مادی جرم مجازات خواهد شد و مطابق ماده ۱۳۱ قانون مجازات اسلامی به مجازات اشد محکوم می‌گردد.

دشمن: به موجب ماده ۲۵ همین قانون در فصل جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی، اشرار و دولت‌هایی که با نظام جمهوری اسلامی ایران در حال جنگند یا قصد براندازی آن را دارند و یا اقداماتشان علیه امنیت ملی است. فراری که به سمت دشمن صوت می‌گیرد به دلایل زیادی می‌تواند صوت گیرد از جمله قدرتمند دانستن دشمن، ضعیف دانستن دولت و نیروهای خودی، اجیر شدن برای رساندن اطلاعات به دشمن و جاسوسی نمودن، پناهنده شدن و امان خواستن و از همه بدتر فرار برای تضعیف نیروهای خودی و شکست جبهه اسلام و تقویت دشمن می‌باشد.

ذ. فرار با تبنانی یا توطئه

تبنانی یعنی مواضع و پیمان بستن پنهانی - با یکدیگر قرار نهادن. این فرار اگر عنوان محاربه بگیرد موجب محکومیت به مجازات محارب است در غیر این صورت مجازاتش در زمان جنگ ۳ تا ۱۵ سال حبس است. مطابق ماده ۵۰۸ تعزیرات که بحث از همکاری با دولت متخاصم است اگر مرتکب محارب شناخته نشود به حبس از ۱ تا ۱۰ سال محکوم می‌شود.

توطئه به معنای آماده کردن - مقدمه چینی برای انجام کاری است. ماده ۷۴ فرار با توطئه را فرار بیش از دو نفر با تبانی قبلی تعریف نموده است.

ر. سرقت سلاح و مهمات و وسایل نظامی در هنگام اردو کشی یا مأموریت آماده باش یا عملیات رزمی یا در منطقه جنگی در صورت اخلال در مأموریت یگان و یا حمل سلاح ظاهر یا مخفی توسط یک یا چند نفر از مرتکبان در حین سرقت
این عنوان مشمول مواد ۸۸ تا ۹۰ فصل هشتم ق.م.ج.ن.م می باشد و حکم کلی محکومیت به حبس از ۳ تا ۱۵ سال می باشد. در ماده ۹۲ بیان شده که اگر اقدامی چون سرقت توسط فرد نظامی موجب اخلال در نظام و به هم خوردن امنیت کشور یا شکست جبهه اسلام شود به مجازات محارب محکوم می شود.

سرقت یکی از جرایم مقید به عنوان نقض قاعده احترام مال مردم، خود به دو نوع تقسیم شده است: حدی و تعزیری؛ سرقت حدی مطابق ماده ۲۶۷ مال متعلق به غیر را ربودن. سرقت تعزیری در ماده ۶۵۱ تعزیرات با مقرون بودن به شروط پنجگانه: در شب واقع شدن، حرز را شکستن، حمل سلاح ظاهر یا مخفی، تعداد از دو نفر بیشتر بودن، آزار یا تهدید دیگری در ضمن سرقت. مجازات مرتکب ۵ تا ۲۰ سال حبس به همراه ۷۴ ضربه شلاق می باشد. ماده ۶۵۴ تعزیرات به حامل سلاح ظاهر یا مخفی در سرقت تعزیری اشاره کرده است که اگر عنوان محارب بر وی صدق نکند موجب محکومیت وی به حبس از ۵ تا ۱۵ سال و شلاق تا ۷۴ ضربه می شود.
سلاح از حیث مکان واقع شده در داخل یا خارج از لباس فرد حامل، به دو صورت ظاهر و مخفی تقسیم شده است و البته فرد حامل سلاح مخفی خود به طرق مختلف محل پنهان کردن سلاح را نمایان می کند مثل لمس آن با دست خود از روی لباس، پوشیدن لباس های عجیب و نامتناسب یا حتی عدم تطابق لباس با آب و هوا و غیره و این نکته لازم به ذکر است که سلاح باید واقعی باشد نه تقلبی حال گرم یا سرد.

ز. تخریب، آتش زدن، از بین بردن و اتلاف عمدی تأسیسات و ساختمان ها و استحکامات نظامی، کشتی، هواپیما و امثال آنها، انبارها، راهها، وسایل دیگر ارتباطی و مخابراتی یا الکترونیکی، مراکز نگهداری اسناد طبقه بندی شده مورد استفاده نیروهای مسلح، وسایل دفاعی، تمام یا قسمتی از ملزومات جنگی، مهمات و مواد منفجره اعم از اینکه مرتکب شخصا اقدام نماید یا دیگری را وادار به آن کند :

فصل نهم ق.م.ج.ن.م با عنوان آتش زدن، تخریب و اتلاف در برگیرنده این موارد می باشد. ماده ۹۳ برای فرد نظامی با انجام اقدامات ذکر شده، حبس از ۳ تا ۱۵ سال را در نظر گرفته است. تبصره ۱ همین ماده مجازات محارب را برای فرد نظامی که قصد براندازی یا اخلال در نظام، به هم زدن امنیت کشور و شکست جبهه اسلام دارد قرار داده است ولی جرم مقید نیست و صرف قصد داشتن برای انجام عملیات مورد نظر کافی است اما تبصره ۲ یک استثنا برای این ماده قرار داده است آن هم تخریب به منظور عدم دستیابی دشمن به امکانات و تأسیسات به هنگام عقب نشینی طبق دستور لازم الاجرا.

عقب نشینی عملیاتی پدافندی است که در آن تمام یا قسمتی از نیروهای گسترش یافته از درگیری با دشمن دست می کشند که هم به صورت اختیاری و هم به صورت اجباری طبق دستور مافوق صورت می گیرد.

فرد نظامی که دیگری را وادار به انجام امری می کند، مباشر یا فاعل معنوی جرم است؛ فرد وادار شده در صورت مکره ناقص ولی دارای اراده بودن، مسئولیت کیفری دارد و هر دو شامل مجازات این ماده می شوند اما اگر مکره تام باشد مسئولیت کیفری ندارد.

اسلحه خراب شده یا از بین رفته باید واقعی باشد چه گرم چه سرد.
وسایل دفاعی که با مراجعه به عرف نظامی مشخص می شوند برای جلوگیری از پیشروی و هجوم دشمن به کار گرفته می شوند. ملزومات جنگی نیز در آیین نامه ها و مقررات مربوطه مشخص شده اند.

اتلاف مصدر باب افعال از ریشه تلف به معنای از بین بردن می باشد. در فقه به دو دسته تقسیم می شود اتلاف بالمباشره - اتلاف بالتسبیب (در قسمت آخر ماده که آمده اعم از اینکه مرتکب شخصا اقدام کند یا دیگری را وادار به آن کند). اتلاف به دو دسته مدنی و کیفری نیز تقسیم می شود. اتلاف مدنی در این است که شخص بدون قصد فعل و عمد در انجام موجب ضرر زدن به اموال دیگری می شود که باید از پس جبران خسارت آن برآید اما اتلاف کیفری این است که شخص با سوء نیت و به قصد مجرمانه و علم به تعلق مال دیگری به صورت عمد مال دیگری را به انحاء مختلف از جمله آتش زدن، تخریب کردن و غیره از بین می برد در حالی که مالکیت خصوصی یا عمومی حائز احترام می باشد و او قصد نقض این حق مکتسبه یا حق عمومی را دارد؛ بنابراین باید مجازات شود.

فصل سوم) نظریه ها

۱. قرار بازداشت موقت الزامی برای نیروهای مسلح در زمان صلح نیز صادر شود

قرار بازداشت موقت نیروهای مسلح که در ماده ۲۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲ در میان سایر موارد بازداشت موقت الزامی باقی مانده است؛ در قانون دادرسی جرایم نیروهای مسلح تنها به صدور در زمان جنگ اشاره دارد حال آنکه بعضی از اقدامات که در زمان صلح و آرامش انجام می‌گیرد می‌تواند زمینه ساز جنگ شود مثل جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی. لازم است در زمان صلح نیز با کشف جرم توسط ضابطان نظامی و صدور قرار بازداشت موقت الزامی توسط بازپرس، به جرم فرد در دادگاه های نظامی یک و دو به موجب بندهای الف و ب ماده ۵۸۲ قانون دادرسی جرایم نیروهای مسلح رسیدگی شود و این اقدامی است به عنوان پیشگیری از صدور قرار بازداشت موقت الزامی در زمان جنگ و رسیدگی به جرم فرد در دادگاه نظامی یک یا دو یا تجدیدنظر زمان جنگ.

۲. اقدامات ذکر شده در ماده ۶۱۸ ق.م.ج.ن.م زیرمجموعه عنوان کلی ترمرد هستند

ماده ۵۲ ق.م.ج.ن.م در رابطه با مأموران نظامی و انتظامی به بحث ترمرد پرداخته است. به دو دسته تقسیم شده است: ترمرد با اسلحه که سبب محکومیت به ۲ تا ۵ سال حبس می‌شود - ترمرد بدون اسلحه که موجب حبس از ۶ ماه تا ۳ سال می‌شود. این مورد در قانون مجازات اسلامی در ماده ۶۰۷ تعزیرات درباب ترمرد از مأموران دولتی می‌باشد.

ترمرد در لغت به معنای سرپیچی کردن، نافرمانی کردن، پیشی گیرنده و در اصطلاح حقوقی هر گونه حمله یا مقاومتی که با علم و آگاهی و به صورت تجری در حین خدمت یا در ارتباط با آن به عمل آید. در کتب فقهی آمده است که با شورش عده ای از افراد در داخل کشور، بر حاکم اسلامی واجب است که با آنان مقابله کند تا آنان را سرکوب و متفرق کند و تا جایی به جنگ ادامه دهد که آنان دست از ترمرد بردارند و مطیع شوند. به فرموده امام علی علیه السلام ترمرد از اوامر فرماندهی کل قوا موجب سست عنصری، عدم اطاعت پذیری نیروها، جری شدن نیروهای دشمن و دست اندازی آنان به شهرهای مرزی خواهد شد که این مورد را در حمله سفیان بن عوف غامدی - از فرماندهان معاویه به شهر انبار، کشتار و غارت آنان و شکست سربازان حکومت اسلامی بیان فرمودند.

نتیجه

قرار بازداشت موقت الزامی که برای نیروهای مسلح صادر می‌شود مخالف با اصل برائت نیست. اینکه برابر قانون بگوییم فرد مجرم نیست مگر خلاف آن ثابت شود، افراد نظامی با انجام جرایم مختلف دیگر بری از جرم نیستند بلکه با کشف ادله ثابت کننده توسط ضابطان نظامی، مجرمیتشان احراز می‌شود. بعد از دستگیری، بعد از مجازات محارب، حبس، شدیدترین مجازات است که نسبت به آنان متناسب با جرم ارتكابی اعمال خواهد شد.

منابع و مراجع

- [۱] مالمیر، محمود، شرح قانون مجازات نیروهای مسلح، زمستان ۱۳۸۳ ه.ش، تهران، نشر دادگستر، چاپ اول.
- [۲] زراعت، عباس، درس‌هایی از آیین دادرسی، ۱۳۹۰ ه.ش، تهران، ناشر ادیشه های حقوقی، چاپ اول.
- [۳] جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، ۱۳۹۲ ه.ش، تهران، نشر کتابخانه گنج دانش، چاپ ۲۵.
- [۴] صدارت، علی، حقوق جزا و جرم شناسی، ۱۳۴۰ ه.ش، تهران، کانون معرفت.
- [۵] عظیم زاده، دکتر شادی، حقوق جزای اختصاصی، زمستان ۱۳۹۳ ه.ش، تهران، نشر دوران‌دیشان، چاپ نهم، جلد دوم.
- [۶] جمعی از محققان در پژوهشگاه تحقیقات اسلامی، جهاد در آینه روایات، ۱۴۲۸ ه.ق، قم، انتشارات زمزم هدایت، دو جلد
- [۷] دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، ۱۳۷۷ ه.ش، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- [۸] معین، محمد، فرهنگ لغت ادبیات، ۱۳۶۴ ه.ش، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ بیست و ششم، در شش جلد.